فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و یکم، زمستان۱۳۹۶- صفحات ۶۳-۴۳

ملاحظات اخلاقی در نظریه بانکداری اسلامی

محمدنقی نظرپور[۱]
طیبه گل‌محمدی[۲]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۰۶/۲۳

چکیده

امروزه صنعت بانکداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اقتصادی محسوب می‌گردد؛ بانکداری اسلامی در مقام نظریه ملاحظات ارزشی و اخلاقی را با ساختار اقتصادی ترکیب می‌کند. بی‌تردید هر خدمتی که در بانکداری اسلامی ارائه می‌گردد نباید در تضاد با ملاحظات اخلاقی باشد. رسالت اصلی بانک‌ها اتخاذ و استقرار روش‌های بهینه تجهیز وتخصیص منابع و ارائه خدمات مالی در سطوح مختلف جامعه متناسب با نیازهای پیش‌روست. بنابراین بر مبنای ملاحظات اخلاقی، بانک‌های اسلامی برای فعالیت‌های مالی خود از روش‌هایی استفاده می‌کنند که نه تنها با اصول اخلاقی سازگار است بلکه می‌تواند به تقویت آن‌ها نیز کمک شایانی نماید. اساس نظریه بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی است. منابع اولیه سهامداران بانکی و ورودی منابع توسط سپرده‌گذارن به بانکداری اسلامی نمی‌تواند منابع آلوده به ربا، رشوه و سایر اموال حرام باشد. از سوی دیگر بانکداری اسلامی منابع بانکی را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که با ارزش‌های اخلاقی هم‌خوانی و یا لااقل با آن در تضاد نباشد، بر خلاف بانکداری متعارف که تنها به سود تسهیلات توجه دارد در نظریه بانکداری اسلامی علاوه بر سوددهی تسهیلات به ملاحظات اخلاقی نیز توجه می‌شود. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چگونه روش‌های تجهیز و تخصیص منابع مالی در نظریه بانکداری اسلامی برملاحظات اخلاقی استوار است؟بر این اساس مقاله پیش‌روکه ماهیت تحلیلی- توصیفی دارد، به‌دنبال بررسی این فرضیه است که "در نظریه بانکداری اسلامی روش‌های تجهیز و تخصیص منابع با ملاحظات و ضوابط اخلاقی مطابقت دارند". بانکداری اسلامی با ترسیم اهداف و اصول خاصی، خود را ملزم به رعایت ملاحظات اخلاقی در کلیه فعالیت‌های مالی از جمله تخصیص و تجهیز منابع کرده است که می‌توان گفت ضوابط اخلاقی‌ای همچون حذف ربا از عملیات بانکی در عرصه تجهیز و تخصیص منابع، تجهیز و تخصیص منابع براساس ملاحظات اخلاقی، عدم تخصیص منابع به فعالیت‌های غیرمولد، توزیع عادلانه منابع، توزیع عادلانه سود، مشارکت در سود و زیان، امین بودن وکیل در قراردادهای بانکی را در فعالیت‌های مالی خود مورد ملاحظه قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه به مبتنی براصول شریعت بودن فعالیت‌های مالی بانک-های اسلامی؛ روش‌های مالی در نظریه بانکداری اسلامی هم از جهت اهداف و هم از جهت عملکرد، نه تنها در تضاد با ارزش های اخلاقی نیست بلکه همسو با ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. زیرا التزام به اخلاق به عنوان بستری مناسب برای تحقق اهداف نظام بانکی در جامعه اسلامی و تعامل با مشتریان عمل خواهد نمود.

واژگان کلیدی: اصول اخلاقی، بانکداری اسلامی، فعالیت‌های مالی، شریعت
طبقه‌بندی JEL: G21,G29,A13

---

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید nazarpur@Mofidu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی Ta.g_mohamadi@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

مقدمه

اخلاق در صنعت بانکداری دارای کاربردهای گسترده‌ای است که در تصمیمات سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران و گیرندگان تسهیلات به شدت اثرگذار می‌باشد. نظام بانکداری اسلامی می‌تواند نقش بی‌بدیلی در نهادینه کردن اخلاق در عرصه بانکداری داشته باشد و با گسترش و توسعه اصول اخلاقی در نظام بانکی ضمن انجام رقابتی سالم، از تبعات مثبت آن به نفع اقتصاد ملی بهره‌برداری نماید.رسالت اصلی بانک‌ها اتخاذ و استقرار روش‌های بهینه تأمین، تخصیص و توزیع منابع و مصارف مالی در سطوح مختلف جامعه متناسب با نیازهای پیش‌روست به نحوی‌که، همزمان با انجام این فعالیت‌های مالی، نه تنها اخلاقیات در جامعه دچار خدشه نشوند بلکه در مسیر ارتقا و بهبود نیز واقع گردند. برخی از متخصصان، بانکداری اسلامی را نظام ارائه‌دهنده خدمات مالی و اخلاقی توصیف می‌کنند؛ زیرا اهتمام اصلی بانک‌های اسلامی این است که روش‌های مالی آن‌ها براساس قوانین شریعت باشد و با توجه به تأکید شریعت برارزش‌های اخلاقی، می‌توان مطمئن بود هر خدمتی که در بانکداری اسلامی ارائه می‌گردد باید مبتنی بر اخلاق باشد(ویلسون،۱۳۸۱، ص۱۳۲). در واقع مهم‌ترین عامل موفقیت و تمایز بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف این است که اقدامات بانکداری اسلامی فراتر از اقدامات بانکداری متعارف و همسو با ارزش‌های اخلاقی می‌باشد.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چگونه روش‌های تجهیز و تخصیص منابع مالی در نظریه بانکداری اسلامی برملاحظات اخلاقی استوار است؟ بر این اساس مقاله پیش‌روکه ماهیت تحلیلی- توصیفی دارد، به‌دنبال بررسی این فرضیه است که"در نظریه بانکداری اسلامی روش‌های تجهیز و تخصیص منابع با ملاحظات و ضوابط اخلاقی مطابقت دارند". بانک‌های متعارف صرفاً جنبه کاربردی تجهیز و تخصیص منابع را در دستور کار خود دارند و توجهی نسبت به تأثیرات مخرب برخی از فعالیت‌های مالی خود ندارند. در حالی که بانکداری اسلامی در کلیه فعالیت‌های مالی خود از جمله تخصیص و تجهیز منابع مالی از یکسری اصول اخلاقی تبعیت می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها توزیع عادلانه منابع، توزیع عادلانه سود، مشارکت در سود و زیان، امین بودن وکیل در قراردادهای بانکی می‌باشد. به عبارت دیگر اصول اخلاقی در بانکداری اسلامی موجب شده است این بانکداری با بانکداری متعارف در نرخ بهره و شکل مشارکت و تقسیم سود و زیان متفاوت باشد. در نظریه بانکداری اسلامی، اصول اخلاقی باعث می‌شود منابعی وارد سیستم بانکی شوند از طریق فعالیت‌های سازنده حاصل شده باشند و منابع بانکی را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که با ارزش‌های اخلاقی هم‌خوانی دارند. اگرچه بانکداری اسلامی به سود تسهیلات در اعطای منابع به بخش‌های مولد اقتصادی توجه دارد ولی تنها هدفش حداکثرکردن سود نیست. مجموعه‌ای از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

اهداف، ضوابط و شرایط همراه با کسب سود مورد توجه قرار می‌گیرد. در عین حال که تجهیز و تخصیص در قالب قرارداد قرض‌الحسنه می‌تواند صرفاً اهداف اجتماعی را هدف‌گیری نماید. یکی از مهم‌ترین رویکردهای اخلاقی در نظریه بانکداری اسلامی توزیع عادلانه منابع و سود در سیستم بانکی می‌باشد. مراد از توزیع عادلانه منابع این است که وضعیت جامعه اسلامی به نحوی باشد که تمامی آحاد جامعه در صورت درخواست از امکانات و تسهیلات بانکی در حد قابل قبولی برخوردار باشند. از سوی دیگر نظام بانکی افزون بر این‌که برای آن دسته از سپرده‌گذاران بانک که به دنبال سود هستند، سود تأمین می‌کند، باید از نظرکمیت و کیفیت سوددهی و چگونگی تخصیص منابع نیز اصل عدالت اقتصادی درآن جریان داشته باشد. از منظر دیگر بانکداری اسلامی با تطبیق محصولات و خدمات مالی خود با اصول اخلاقی شریعت، سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های اخلاق مداری را صورت می‌دهد به نحوی که هم بانک، هم سرمایه‌گذاران و هم اقتصاد و جامعه از آن منتفع می‌گردند. همچنین در نظریه بانکداری اسلامی برخلاف بانکداری متعارف که تمام ضررهای مالی را بر عهده گیرندگان تسهیلات می‌گذارد، سهمی از این ضرر و زیان را با ضوابط خاصی، خود متقبل می‌شود. بدین‌ترتیب با مبنای اخلاقی و ساختار بدون بهره بانکداری اسلامی نه تنها این شیوه بانکداری برای مسلمان جذابیت دارد بلکه برای غیرمسلمانان پیرو اخلاق نیز جذابیت خاصی پیدا کرده است و شیوه مطلوبی برای سرمایه‌گذاری و نگهداری سپرده‌هایشان محسوب می‌گردد. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه به مبتنی بر اصول شریعت بودن فعالیت‌های مالی بانک‌های اسلامی؛ روش‌های مالی در این نوع بانکداری هم از جهت اهداف و هم از جهت عملکرد، نه تنها در تضاد با ارزش های اخلاقی نیست بلکه همسو با ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. البته ادعای این مقاله این نیست همه عقود ذاتا با ملاحظات اخلاقی همراهند.

در مطالعه حاضر در راستای بررسی فرضیه پژوهش ابتدا در بخش اول بعد از ارائه مقدمه، مفاهیم و جایگاه اخلاق در نظام مالی اسلام بیان می‌گردد. در بخش دوم مروری بر مطالعات پیشین خواهد شد. در بخش سوم ملاحظات اخلاقی در نظریه بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله ارائه می‌گردد.

۱- مفاهیم

۱-۱- اخلاق:

اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود. برخی از این ملکات فطری و ذاتی‌اند، و پاره‌ای از آن‌ها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آن‌ها، به دست

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

می‌آیند...؛ چنان‌که بخیل در ابتدا با سختی و جان کندن چیزی را می‌بخشد، اما در اثر تکرار، بخشش به‌صورت خوی و عادت او در می‌آید(مجلسی، ج۶۷، باب ۵۹، ص۳۷۲).

همچنین اخلاق را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد و آن این‌که «گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد، ولی هنگامی که کاری بطور مستمر از کسی سر می‌زند(مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران) دلیل به این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند(مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج۱:ص۲۵).

بنابراین اخلاق هم به نفس و ذات مربوط است و هم با رفتار سر و کار دارد. اخلاق مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می‌شود، بروز ظاهری پیدا می‌کند. از سوی دیگر استمرار یک نوع رفتار خاص، دلیل بر آن است که این رفتار یک ریشه درونی و باطنی در عمق جان و روح فرد دارد که آن ریشه را اخلاق می‌نامند.

یکی از شاخه‌های اخلاق، اخلاق عملی می‌باشد که در نظریه بانکداری اسلامی تأکید بر این شاخه از اخلاق می‌باشد. مقصود از اخلاق عملی، آداب و دستورهایی خاص است که در مسیر تزکیه و تهذیب، التزام به آن‌ها ضرورت دارد و از طریق عمل، فرد را به اهداف نزدیک می‌کند. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۵، ص۱۵). در اخلاق عملی یک سلسله دستورات وجود دارد که با عمل به آن‌ها ملکه اخلاق در انسان رشد کرده و فرد را متخلق به اخلاق نموده است. فضائل نزد حکماء به چهار قسم منقسم می‌شود:۱- حکمت ۲- عفت ۳- شجاعت ۴- عدالت (طوسی، ۱۳۵۶، ص۸۴). حکمت عبارت است از علم و آگاهی به امور الهی و امور انسانی است. وقتی انسان به این حدّ از رشد و کمال رسید می‌داند که چه کاری بایسته انجام شدن است و از چه اموری باید اجتناب کرده و خود را به غفلت نزند. دومین فضیلت، عفت و پاکدامنی است. این فضیلت زمانی در نفس ظهور می‌کند که مسیر تخلیه شهوت انسانی، مطابق با داده‌های عقل و شرع باشد. سومین فضیلت نفس، شجاعت است. شجاعت یا نترسیدن، زمانی در انسان ملکه می‌شود که نفس در اموری که مایه غضب است براساس اندیشه و رأی سلیم حرکت کرده و متابعت هوی و هوس نکند. چهارمین فضیلت، عدالت است. نقطه مقابل آن، جور و ستم است. درباره رسیدن به مقام عدالت به اموری چون صداقت، الفت، صله‌رحم، مجازات، حسن‌شراکت، حسن قضاوت، مودّت و دوستی، عبادت، ترک حسادت، و... لازم است(مسکویه، ۱۴۲۶، ص۹۶-۱۱۲).

باتوجه به این‌که برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی از اهداف بانکداری اسلامی می‌باشد در بین فضائل اخلاقی چهارگانه عدالت در نظریه بانکداری اسلامی نقش پررنگ‌تری دارد و برقراری عدالت در نظام بانکداری از ضرورت برخوردار است. بانکداری اسلامی از ملاحظات اخلاقی‌ای پیروی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

می‌کند که رعایت صحیح و کامل آن‌ها باعث ثبات و پایداری نظام بانکی، تخصیص بهینه منابع و توزیع عادلانه درآمدها در کل اقتصاد می‌شود. براساس رویکرد اخلاقی بانکداری اسلامی، این نظام بانکی با ابداع قراردادهای مالی و شیوه‌های تأمین مالی منطبق براصول شریعت و اخلاق، از طریق ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی، تسهیم عادلانه منابع و سود و زیان، اشتغال‌زایی و توزیع عادلانه درآمدها موجب برقراری عدالت و رفاه همگانی می‌گردد.

۲-۱- اخلاق مالی در نظام اقتصادی

اخلاق به عنوان تنظیم‌کننده روابط میان انسان‌ها، همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. اخلاق اقتصادی در اسلام در راستای تقویت کارایی نظام اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. فارق از آن‌که التزام به اخلاقیات در اسلام ارزش ذاتی دارد، می‌توان کمترین کارکرد چنین التزامی را خلق نوعی اعتماد در روابط انسانی و اجتماعی دانست که امروزه از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. در سایه این سرمایه اجتماعی بسیاری از هزینه‌ها در اقتصاد کاهش یافته و در مقابل کارایی نظام اقتصادی افزایش می‌یابد(دادگر، ۱۳۸۵، ص۷). بنابراین توجه به اخلاق مالی نه تنها در ایجاد اعتماد در روابط انسانی و اجتماعی مؤثر است بلکه می‌تواند بر کارایی عملکرد سیستم اقتصادی نیز بیفزاید. یک نظام مالی باید توجه ویژه‌ای به موضوع ملاحظات اخلاقی داشته باشد، به خصوص اصل عدالت و انصاف را در برابر تمام افراد مشارکت‌کننده در نظام، رعایت کند. زیرا از منظر اخلاق نهادهای مالی اسلامی به واسطه انطباقشان برشریعت، عموماً اخلاقی قلمداد می‌شوند. این نهادها به دنبال ارتقای عدالت و رفاه در جامعه هستند(حنیفه و هدیب، ۲۰۰۷). این بحث در یک نظام بانکی اساساً در چارچوب حقوق سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات مصداق دارد.

۲- پیشینه موضوع

۲-۱- مطالعات داخلی:

قلیچ(۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان"بانکداری اخلاقی در جهان" با شیوه تحلیلی- توصیفی به بررسی اهداف و اصول بانکداری اخلاقی در جهان پرداخته و با معرفی بانکداری‌های اخلاقی در سراسر جهان به این نتیجه رسیده است که تعیین اصول، معیارها و قوانین بانکداری اخلاقی و نیز اجرایی کردن آن در عرصهٔ عملیات بانکداری کشور الزامی به نظر می‌رسد.

طالبی و کیایی (۱۳۹۱) در مقاله مشترکی تحت عنوان" بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی" با شیوه تحلیلی- توصیفی پس از تشریح بانکداری اخلاقی در اقتصاد متعارف و نیز اخلاق در بانکداری اسلامی به بیان این مطلب می‌پردازند که هرچند بانکداری اخلاقی شباهت‌های بسیاری با بانکداری اسلامی دارد، اما به دلیل تفاوت‌های موجود در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

تعریف اخلاق در بانکداری اخلاقی و تعریف اخلاق در آموزه‌های اسلام وجوه تمایزی نیز میان این دو بانکداری وجود دارد و مفهوم بانکداری اسلامی را گسترده‌تر از بانکداری اخلاقی توصیف نموده‌اند.

یوسفی شیخ رباط و خبره(۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان"مواضع اخلاقی در بانکداری اسلامی و تأثیر آن بر عملکرد بانکی" با شیوه تحلیلی- توصیفی به بررسی ابعاد اخلاقی در بانکداری اسلامی و عملکرد آن در این نظام می‌پردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است بانکداری اسلامی علاوه بر موازین اخلاقی و اصول اجتماعی در بانکداری اسلامی به شاخص‌های شرعی نیز توجه دارد. اصولاً این شاخص‌ها نمادی از بنیان اخلاقی را به نمایش می‌گذارد. براساس این مطالعه، بانکداری اسلامی به دلیل مبتنی بودن بر شریعت اسلام، هم از جهت اهداف و هم از جهت عملکرد، پایبند به ارزش‌های اخلاقی است.

عیوضلو و قلیچ (۱۳۹۳) در کتابی تحت عنوان بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی (ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری) ضوابط اخلاقی نظام بانکی کشور را در سه دسته درون بانکی (رعایت حقوق کارکنان و مسئولین بانک، رعایت حقوق مشتریان، رعایت حقوق سهامداران بانک و حفظ و ارتقای شهرت و اعتبار بانک)، بین بانکی(رعایت حقوق بانک مرکزی و کلیه موسسات شبکه بانکی) و فرابانکی (جهت‌گیری خدمات بانکی به منظور حفظ ثبات اقتصادی- اجتماعی جامعه، کاهش فقر و شکاف طبقاتی، صیانت از محیط زیست، حفاظت از منافع فرانسلی، رعایت حقوق شهروندی عامه مردم و رعایت حقوق سازمان‌ها و نهادهای دیگر) را بیان می‌کنند. در این کتاب با توجه به نتایج این پژوهش علمی ابزار، راهکارهای برقراری نظام اخلاق حرفه‌ای در نظام بانکداری اسلامی در قالب سه محور تعیین خط و مشی اخلاقی، تدوین ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری مطرح می‌گردد.

۲-۲- مطالعات خارجی:

تلمسانی و متئوس (۲۰۰۲) در مقاله مشترکی با عنوان" بانکداری اخلاقی با دیدگاه اسلامی " به بررسی چارچوب بانکداری اسلامی در جهان پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش با شیوه تحلیلی- توصیفی نقش اسلام در بخش‌های مالی را بررسی نموده و پس از ارائه مفهوم ربا به بررسی اصول بانکداری اسلامی و ابزارهای بانکداری بدون بهره پرداخته‌اند. آن‌ها ممنوعیت ربا در دین اسلام و این‌که ریسک می‌بایست به طور مساوی بین بانک و مشتری تقسیم شود را بیان نموده‌اند، همچنین عنوان نمودند که بانکداری اسلامی می‌تواند در یک محیط بیش از حد رقابتی نیز اجرا شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

کربنی(۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان " بانکداری در مسیر اخلاق" با شیوه تحلیلی- توصیفی هدف خود را از ارائه این مقاله بیان تجربیات بانکداری اخلاقی در اروپا عنوان نموده است. وی معتقد است که مؤسسات مالی نباید مانند شرکت‌های عادی عمل نمایند، بلکه مسئولیت ویژه‌ای در قبال جامعه دارند، زیرا رعایت اصول اخلاقی در معاملات مالی بسیار حائز اهمیت است. در ادامه مقاله، بانکداری اخلاقی با اهداف اجتماعی و زیست محیطی مورد مطالعه قرار است. در انتها بیان می‌کند در صورتی که سرمایه‌گذاری اخلاقی در اروپا به صورت یک فرهنگ درآید شاهد نسل جدیدی از بانک‌ها خواهیم بود.

حبیب احمد(۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان تعریف اخلاق در امور مالی اسلامی با شیوه تحلیلی- توصیفی به بیان نقش قوانین و اصول اخلاقی در تعریف شیوه‌های اخلاقی بانک‌های اسلامی می‌پردازد و بیان می‌دارد در حالی که میان قوانین بانک‌های اسلامی و اصول اخلاقی ارتباط نزدیکی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد در عمل بانک‌های اسلامی می‌توانند نتایج غیراخلاقی حتی با وجود قوانین اسلامی داشته باشند. در نتیجه حائز اهمیت است که به بررسی نتایج اخلاق و رفاه در معاملات بپردازیم. وی که در این مقاله به بررسی اخلاق در بانکداری پرداخته است به این نتیجه رسیده است که بانک‌های اسلامی می‌توانند در صورتی که بدهی افراد از سطح خاصی فراتر رود از اصول غیراخلاقی استفاده کنند. همچنین در این مقاله نشان می‌دهد که باید یکسری اصول مالی اسلامی نوینی ایجاد کردکه یکی از این اصول می‌تواند افزایش و ترویج اصول اخلاقی در بانکداری اسلامی باشد.

تحقیقات بانکداری اخلاقی در سال‌های اخیر در حال رشد بوده است. در این پژوهش‌ها که بانکداری فراتر از بانکداری متعارف تعریف شده است بانک‌ها بر فعالیت‌هایی همچون تأمین مالی پروژه‌های محیط زیست، ترویج کارآفرینی اجتماعی و کسب و کار در جامعه متمرکز هستند. اما در مطالعه حاضر ملاحظات اخلاقی در بانکداری اسلامی که از آموزه‌های دینی بهره‌مند می‌باشد؛ بیان می‌گردد. از آن‌جایی که بانکداری اسلامی تجربیات موفقی را در تحکیم ارزش‌های اخلاقی و معنوی و اهداف عدالت‌خواهانه متناسب با رشد و توسعه بازارهای مالی دنیا داشته است، از این رو مطالعه نظریه بانکداری اسلامی از زاویه ملاحظات اخلاقی می‌تواند راه‌گشای مشکلات پیش‌روی بانکداری باشد.

۳- رویکردهای اخلاقی در نظریه بانکداری اسلامی

نظام مالی اسلام برخلاف نظام مالی متعارف اخلاق محور است. این نظام بر پایه اصول و هنجارهای اخلاقی سامان یافته است. یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام عدالت اقتصادی است و نظام بانکی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

به عنوان زیر نظام مکتب اقتصادی اسلام لازم است عدالت اقتصادی را مورد توجه قرار دهد. دین اسلام در نظام مالی اسلام روابط اقتصادی همچون ربا، بی‌عدالتی در تسهیم منابع و سود و زیان را بر نمی‌تابد. ممنوعیت و حذف ربا، عدالت، تشویق به کار و فعالیت اقتصادی، تقسیم عادلانه سود و زیان و منابع، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و امین سپرده‌گذاران بودن در فعالیت‌های اقتصادی از جمله رویکردهای اخلاقی در نظریه بانکداری اسلامی محسوب می‌گردند. اهتمام اصلی بانک‌های اسلامی این است که سیستم ارزشی و اخلاقی اسلامی را با ساختار اقتصادی ترکیب می‌کند تا ملاحظات و ارزش‌های اخلاقی باید بر تمامی فعالیت‌های مالی بانکداری اسلامی حاکم باشد. رعایت ملاحظات اخلاقی در معاملات و عملیات بانکی یکی از ویژگی‌های بانکداری اسلامی می‌باشد. ملاحظات اخلاقی جامعه محور بانکداری اسلامی موجب گردیده که فعالیت‌های مالی و سرمایه گذاری‌های بانکداری اسلامی در راستای تقویت بخش واقعی اقتصاد شکل گیرد. سیستم بانکداری اسلامی به منزله یک سیستم مدعی اخلاق محوری، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در زمینه نهادینه کردن اخلاق در عرصه بانکداری داشته باشد. با حذف ربا از عملیات و معاملات مالی در بانکداری اسلامی با به کارگیری منابع مالی در فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت در سود و زیان علاوه بر این‌که منجر به توزیع بهتر درآمد می‌گردد و حتی قراردادهای مبادله‌ای با سود عادلانه و منصفانه، منجر به برقراری عدالت و گسترش قرض‌الحسنه می‌گردد.

البته همه عقود ذاتا با ملاحظات اخلاقی همراه نیستند. بدین‌معنا که مثلا خرید فروش مبادله‌ای است که بین دو طرف صورت می‌پذیرد. در ذات بیع ملاحظات اخلاقی می‌تواند دخیل نباشد. زیرا طرفین بین پول و کالا و یا خدمت، فارغ از سایر ملاحظات، مبادله‌ای انجام می‌دهند. چه بسا طرفین معامله از وضعیت معیشتی و درآمدی و رفاهی یکدیگر هیچ اطلاعی نداشته باشند. اما در عین حال برخی اصول اخلاقی بر اصل شکل‌گیری این معامله حاکم است. نظیر این‌که نباید فریب و غرری در معامله حاکم بوده و کالاها و خدمات و وجوه مورد معامله از درآمدهای حلال، مشروع و... باشد. یا اگر ثمن معامله مدت‌دار بود و فرد نتوانست به علت مشکلاتی سر وعده پرداخت نماید باید تا زمان مکنت او صبر نمود.

۱-۳- حذف ربا از عملیات بانکی

حذف ربا از مهم‌ترین اصول نظام اقتصادی اسلام است. دین اسلام برای جلوگیری از ظلم و ستم و برای هدایت مردم به سمت داد و ستد و معاملات واقعی و برای نهادینه کردن روحیه تعاون و ایثار و عدالت اقتصادی ربا را تحریم و ممنوع ساخت. زیرا در بینش اسلام، نظام اقتصاد ربوی، گرایش به سودپرستی و فراموشی کمک‌های انسان دوستانه به دیگران دارد. حرمت ربا به منزله حذف نرخ بهره در نظام اقتصادی، مورد تأیید اسلام واقع گردیده است. با توجه به مفهوم فراگیر بهره در نظام

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

سرمایه‌داری، حرمت ربا و حذف بهره به عنوان یک اصل مسلم، فصل تمایز دو نظام اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصادی مورد تأیید است (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۵، ص۳۹).

ربا و بهره در تارپود اقتصاد متعارف حضور دارد و به اشکال مختلف از جمله اوراق‌قرضه، سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و... در همه ابعاد اقتصاد سرمایه‌داری جریان دارد، اسلام آن را به شدت نهی کرده است، آن را از گناهان کبیره برشمرده و مرتکب شونده آن را نه تنها از عقاب دردناک اخروی بیم داده، به مبارزه دنیوی نیز تهدید کرده است(محقق نیا،۱۳۹۴، ص۲۸۹). از نظر شهید صدر بین بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی این تفاوت وجود دارد که بانک ربوی برمبنای ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری فعالیت می‌کند و عمده درآمد آن نیز از همین طریق است؛ در حالی بانک اسلامی در جایگاه عامل فعالیت می‌کند و درآمد خود را نه براساس بهره و سود، بلکه براساس مزدکار(کارمزد، حق‌الوکاله) تعریف می‌کند(همان، ص۳۲۸).

بنابراین در حوزه انطباق عملیات بانکداری با موازین شرعی شاید مهم‌ترین ویژگی بانکداری اسلامی این است که معاملات و عملیات مالی بایستی مبتنی بر عقود اسلامی باشد و ممنوعیت ربا در معاملات و عملیات مالی به عنوان یکی از ضوابط عمومی قراردادها به شمار می‌آید. در قراردادهای بانکداری اسلامی دریافت بهره جایز نمی‌باشد، زیرا سپرده و تسهیلات مبتنی بر قرض با بهره از دیدگاه اسلامی حرام است. بنابراین بهره در قراردادهای قرض اعم از این‌که ثابت یا متغیر باشد، برای امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری باشد توسط بانک‌های دولتی باشد و یاخصوصی و نرخ بهره کم باشد و یا زیاد، شامل ربای حرام می‌باشد. در نظام اقتصادی اسلام در راستای اصول اخلاقی همچون برقراری عدالت و انصاف و توجه به برطرف نمودن نیازهای دیگران، اجازه قرض ربوی را در تجهیز و تخصیص منابع بانکی نمی‌دهد. بانکداری اسلامی به عنوان زیر مجموعه‌ای از این نظام، برای رعایت حقوق دیگران و برقراری عدالت از عقود و ابزارهای مالی اسلامی جایگزین قرض ربوی بهره گرفته است. با توجه به این‌که یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلامی حذف ربا می‌باشد، قرض‌الحسنه یکی از روش‌های حذف ربا در نظام اقتصادی به شمار می‌آید. بانکداری اسلامی که جزئی از نظام اقتصادی اسلام است، در جهت گسترش و ترویج قرض‌الحسنه که یکی از شیوه‌های اسلام جهت حذف ربا می‌باشد، می‌کوشد.

اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی از یک سو منجر به گسترش معنویت در سطح جامعه می‌گردد و از سوی دیگر راهکاری برای رفع مشکلات افراد نیازمند و افزایش سطح رفاه آنان می‌باشد. بنابراین اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه منجر به رفع فقر، توزیع عادلانه درآمد و تحقق عدالت توام با افزایش رفاه و رضایت اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. در بانکداری اسلامی که سودآوری تنها هدف بانک نیست، بانک اسلامی ضمن اجتناب از دریافت و پرداخت ربا با انعقاد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

قراردادهای مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد به برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و عملیاتی شدن آن در نظام بانکی کمک می‌نماید.

۲-۳- تجهیز و تخصیص منابع با رویکردهای اخلاقی

یکی از اصول بنیادین بانکداری اسلامی انطباق فعالیت‌های مالی با ملاحظات اخلاقی و دوری جستن از عملیات و معاملات مالی ربوی است. در بانکداری اسلامی که مبتنی براخلاق می‌باشد، منابع پولی مجموع سرمایه بانک و پس انداز مشتریانی است که در فعالیت‌های واقعی اقتصاد نقش دارند. بانکداری اسلامی پول‌های کثیف را که از فعالیت‌های غیرقانونی به دست می‌آیند را نمی‌پذیرد؛ زیرا هدف از فعالیت بانکداری اسلامی داشتن آثار مثبت در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی است. زیرا ورود وجوه حاصل از معاملاتی همچون(خرید و فروش مواد مخدر، اسلحه وکالاهای قاچاق و غیره) به یک بخش از فعالیت‌های اقتصادی(مانند بخش املاک یا بورس اوراق‌بهادار و غیره) همان‌گونه که می‌تواند سبب رونق این بازارها شود؛ خروج یک دفعه این وجوه از بازارهای فوق نیز که محتمل است سبب بی‌ثباتی اقتصاد می‌گردد. بنابراین بانک‌های اسلامی با کسب اطلاعات کافی در مورد حرفه سپرده‌گذار و فعالیت اقتصادی او مانع از جذب پول‌های کثیف به چرخه اقتصاد می‌گردد. از سوی دیگر بانکداری اسلامی به تأمین مالی پروژه‌ها و طرح‌هایی اقدام می‌نماید که حلال باشند و از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که از نظر اسلام قبیح شمرده شده است خودداری می‌کند. علاوه این‌که درآمد حرام آثار وضعی فراوانی بر آلودگی نفوس و اموال از خود بر جای می‌گذارد. بگونه‌ای که امام حسین (ع) در روز عاشورا خطاب به دشمن می‌فرماید چون شکم‌های شما از حرام پر شده است فرصت شنیدن حرف حق و عمل به آن را از دست دادید. در واقع بانکداری اسلامی به منظور تحقق بخشیدن عدالت اجتماعی و ایجاد امنیت اقتصادی و تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی اقتصاد نه تنها منابع خود را از طریق فعالیت‌های غیر مولد تجهیز نمی‌کند بلکه به چنین فعالیت‌هایی منابع مالی خود را تخصیص نمی‌دهد.

۳-۳- تخصیص منابع به فعالیت‌های بخش حقیقی اقتصاد

از جمله حکمت‌های تحریم ربا در اسلام، مشارکت مردم در فعالیت‌های بازرگانی و تولیدی در اقتصاد واقعی است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به کسب و کار روی بیاورند و به خرید و فروش بپردازند(ترجمهٔ الحیاة، ج۵، ص۶۰۹).

نظام بانکداری متعارف برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند که نرخ بهره آن در خارج از اقتصاد واقعی تعیین می‌گردد. اما در نظام اسلامی با تحریم ربا، قرض با بهره وجود ندارد و بانکداری اسلامی برای اعطای تسهیلات به خانوارها و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهایی استفاده می‌کند که مرتبط بـا بخـش حقیقـی اقتصـاد مـی‌باشـد. بنابراین برخلاف بانکداری متعارف که در آن ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد امری ضـروری نیسـت و به عبارتی لابشرط از ارتباط و عدم ارتباط است در بانکداری اسلامی ارتباط با بخش حقیقی ضرورت دارد. یعنی بشرط ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد فعالیت‌های سودآور بانکداری اسلامی قابل قبـول و مشروع است.

در بانکداری اسلامی تخصیص اعتبار به فعالیت‌های بخش حقیقی اقتصاد حتی اگر بازده مـالی اندکی به همراه داشته باشند صورت می‌پذیرد. بانک‌ها سپرده افراد را جذب با اعطای تسـهیلات بـه متقاضیان بسترهای سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی اقتصاد را فـراهم مـی‌کننـد و از ایـن طریـق بـا افزایش تولید منجر به افزایش تولید و بهبود رفـاه جامعـه مـی‌گردنـد. در بانکـداری اسـلامی بانـک بایستی به عنوان وکیل سپرده‌گذاران نسبت به توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی را که تـأمین مـالی می‌کند اطمینان حاصل کند. ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی منجر می‌گـردد پـروژه‌هـایی کـه بانک تامین مالی می‌کند با ریسک‌کم و یا قابل قبولی همـراه باشـد. بـا تخصـیص منـابع بـه سـمت فعالیت‌های بخش حقیقی، سرمایه‌گذاری و گردش دارایی جایگاه خود را می‌یابند وآن‌چه مورد نیـاز جامعه است تولید می‌گردد و صرفاً سودآنی و سرشـار مبنـای عمـل قـرار نمـی‌گیـرد. در نتیجـه بـا استوارسازی زیربناهای بخش واقعی اقتصاد، نظام اقتصادی توسعه می‌یابد. بنابراین بانکداری اسلامی با سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی به اشتغال‌زایی و کسـب و توزیـع درآمـد مـی‌پـردازد و از مصـالح عمومی جامعه و در نتیجه بهبود متغیرهای اخلاقی غافل نمی‌باشد.

۴-۳- عدالت

از آن‌جا که نظام تکوین بر مبنای حق و عدل قرار دارد، هرگونه تصرف انسان‌ها در اموال باید بر حق و عدل مبتنی باشد وگرنه ظالمانه خواهد بود. تحقـق عـدالت زمـانی امکانپـذیر اسـت کـه درآمـدها و ثروت‌های حاصل برای افراد بر موازین حق مبتنی باشند و از توجیه معتبـر شـرعی و عرفـی(تراضـی) برخوردار باشند(عیوضلو، ۱۳۸۷، ص۳۸). با توجه به این‌که یکی از اساسی‌ترین اصول نظام اقتصادی اسلام، عدالت اقتصادی است که در همه‌ی عرصه‌های نظام اقتصادی از جمله نظام بانکی بـه عنـوان یک مؤسسه مهم مالی و پولی و نهادی اقتصادی که نقش اساسی و کلیدی در ساختار اقتصادی هـر کشوری دارد باید جریان داشته باشد. زیرا پس‌انداز و دارائی‌های راکد در یک نظام اقتصـادی توسـط این نهاد به گردش درآمده و آن‌ها را در دسترس افراد و مؤسسات قرار می‌دهد؛ از این رو نظام بانکی مـی‌توانـد نقـش اساسـی را در دسـتیابی بـه اهـداف مـورد نظـر نظـام اقتصـادی اسـلام بـه عهـده بگیرد(صفوی،۱۳۹۱، ص۱۲). بانکداری اسلامی وقتی معنای واقعـی و عملـی پیـدا مـی‌کندکـه روح عدالت و نبود تبعیض، محور اصلی در توزیع خدمات مالی قرارگیرد. ازآن‌جا که در عرصـه اجتمـاعی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

هدف انبیای عظام اقامه عدالت است بانک نیز به عنوان جزیی از نظام اقتصادی اسلام لازم است این هدف را تعقیب نماید. سیستم بانکی به عنوان یک وکیل، پول سپرده‌گذارانی که قادر نیستند پس اندازهای کوچک خود را به کار اندازند، جمع‌آوری و آن را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار داده و سپرده‌گذاران را از سود حاصل از سرمایه‌گذاری برخوردار می‌کند و از طرفی هم به متقاضیان تسهیلات بانکی، در قالب عقود سودآور، تسهیلات اعطا می‌کند. اگر سیستم بانکی به گونه‌ای عمل نماید که به صاحبان سپرده‌های کوچک و گیرندگان تسهیلات بی‌توجهی شود با هدف نظام بانکی که همانا تحقق عدالت اقتصادی است سازگاری ندارد(نظرپور، پیشین، ص۴۶).

با توجه به این که نظام اقتصادی اسلام، داشتن زندگی آبرومندانه و توازن ثروت و درآمد را نتیجه تحقق عدالت می‌داند؛ نظام بانکداری اسلامی با اثرگذاری بر مباحثی همچون توزیع عادلانه درآمد و کاهش سطح فقر در جامعه جایگاه ویژه‌ای در تحقق عدالت که از اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌باشد، دارد. به عبارت دیگر بانکداری اسلامی با لحاظ کردن ملاحظات اخلاقی همچون عدالت در عملیات و معاملات مالی خود، کاهش فاصله طبقاتی، رفع فقر و توازن اجتماعی کمک شایانی می‌کند.

۱-۴-۳- توزیع عادلانه منابع

توزیع عادلانه تسهیلات بانکی بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه یکی دیگر از ویژگی‌های نظریه بانکداری اسلامی است. بانک‌ها منابع خود را از طریق سپرده‌های بانکی جذب و باید آن را به شیوه‌ای عادلانه بین اقشار مختلف جامعه و بخش‌های مختلف توزیع کنند. در جهت توزیع متعادل‌تر تسهیلات بانکی، همواره مناطق و نواحی گوناگون یا افراد جامعه یکسان بهره‌مند نمی‌شوند و این باعث خواهد شد که دستیابی به عدالت اقتصادی با وقفه طولانی‌تر امکان‌پذیر شود. چنانچه افراد کم درآمد و فقیر در این فرآیند از بهره‌مندی کافی برخوردار باشند می‌توان ادعا کرد که تحقق عدالت اقتصادی هموارتر شده است. در ادبیات عدالت اقتصادی برابری فرصت‌ها نقش مهمی درکاهش ناعدالتی در توزیع امکانات خواهد داشت. از سوی دیگر گروه های کم درآمد جامعه در وضعیتی قرار دارند که توانایی کمتری در استفاده از فرصت های مالی را در اختیار دارند؛ از این رو هرچه فرصت استفاده از امکانات مالی برای گروه‌های فقیر وکم درآمد محقق باشد، تحقق عدالت اقتصادی عملی‌ترخواهد شد(احمدی و همکاران، ۱۳۸۷، ص۱). رعایت مصالح بلندمدت جامعه اقتضا می‌کند که منابع بانکی، از جهت مناطق، از جهت بخش‌های مختلف اقتصادی و نوع پروژه‌های کوچک، متوسط و بزرگ و بین گروه‌های مختلف اجتماعی به صورت متوازن توزیع شود و اگر در منطقه یا بخش یا گروه‌های اجتماعی خاص مشکلات و موانعی سر راه بازدهی معقول و متعارف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

وجود دارد، نظام اقتصادی با مطالعه جامع و سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها و رفع موانع و مشکلات، آن‌ها را به سطح مطلوب برساند(صفوی، پیشین، ص۸۷).

برخلاف بانک‌های متعارف[1] که نقش آن‌ها در جذب منابع مالی و اعطای تسهیلات به کسب سود خلاصه می‌گردد در بانکداری اسلامی تأکید بر استفاده کل جامعه از منابع مالی می‌باشد، در واقع وضعیت جامعه اسلامی بایستی به نحوی می‌باشد که تمامی آحاد جامعه در صورت درخواست از امکانات و تسهیلات بانکی در حد قابل قبولی برخوردار باشند. بنابراین در نظام بانکداری اسلامی شرایط برابر و منصفانه برای دسترسی به منابع مالی از مصادیق عدالت اجتماعی که یکی از اصول خلاقی می‌باشد فراهم می‌گردد. بانکداری اسلامی در بخش اعطای تسهیلات توجه ویژه‌ای به محرومیت‌زدایی، اشتغال‌زایی به ویژه برای جوانان دارد و از این طریق موجب تحقق عدالت و توزیع عادلانه منابع در جامعه می‌گردد.

۲-۴-۳- توزیع عادلانه سود

اسلام رابطه حقوقی قرض با بهره بین صاحبان سرمایه نقدی وکارفرما را ظالمانه و در ردیف پیکار با خدا و رسول دانسته و به شدت با آن مبارزه می‌کند. در بانکداری متعارف قراردادهای بانکی چه در طرف سپرده‌گذاری و چه در طرف اعطای وام و اعتبار نه براساس عملکرد واقعی بنگاه‌ها که برپایه‌ی بهره‌ی بانکی منعقد می‌گردد و این زمینه را برای وقوع انواع بحران‌ها فراهم می‌آورد. اما اسلام به صاحبان پول اجازه داده است از طریق عقود اسلامی با عامل اقتصادی و کارفرما در فعالیت اقتصادی شریک شده و از سود واقعی سهمی را بردارند.این تغییر بازتاب فراوانی در بخش‌های مختلف اقتصادی برجای می‌گذاردکه مهم‌ترین آن‌ها تقسیم عادلانه سود و زیان احتمالی فعالیت های اقتصادی بین دو عامل اصلی تولید یعنی کار و سرمایه است(موسویان،۱۳۸۰، ص۵۳). در بانکداری اسلامی با سه گروه بانک‌ها، سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات به عنوان بنگاه‌های اقتصادی مواجه بوده، به همین جهت نرخ‌های سود در بانکداری اسلامی به گونه‌ای باید تعیین شود که هر سه گروه متناسب با ارزش سرمایه و ارزش فعالیت اقتصادی، سهمی عادلانه داشته باشند. مطالعه‌ی دقیق قراردادهای بانک‌های اسلامی در بخش‌های تجهیز و تخصیص منابع، نشان می‌دهد، غیر از قرارداد قرض الحسنه که ماهیت غیرانتفاعی دارد، همه‌ی قراردادها ماهیت انتفاعی دارند، نرخ سود رابطه‌ای سه‌گانه و مستقیم بین بانک، سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار است. به نحوی که بانک اسلامی که خود یک بنگاه اقتصادی و انتفاعی است در رأس مثلث، به عنوان وکیل یا عامل سپرده‌گذاران، سرمایه‌های نقدی آنان را از طریق قراردادهای انتفاعی در طرح‌های موجه اقتصادی و

۱. البته بانکداری متعارف هم در سال‌های اخیر با پی‌بردن به برخی از مشکلات، به بانکداری اخلاقی با استانداردهای خاص خود روی آورد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

عمرانی به سرمایه‌گذار، اعطای تسهیلات کرده، مشارکت می‌کند و در پایان دوره‌ی مالی پس از کسر درصدی از سود به عنوان حق‌الوکاله، مابقی را بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند (حسین عیوضلو، ۱۳، ص۵۸).

اسلام با تحریم ربا شیوه کسب درآمد از محل سرمایه را فعالیت در بخش حقیقی اقتصاد و انجام معاملات واقعی می‌داند. بنابراین در بانکداری اسلامی، نرخ سود در نتیجه فعالیت و سودآوری سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد است که بین دو عامل اصلی تولید یعنی کار و سرمایه تقسیم می‌گردد. در واقع بانکداری اسلامی افزون بر این‌که برای سپرده‌گذاران سود تأمین می‌کند، از نظرکمیت و کیفیت سوددهی اصل عدالت اقتصادی درآن جریان دارد. پرداخت سود به جای بهره در نظریه بانکداری اسلامی به اخلاق و عدالت نزدیک‌تراست؛ زیرا کسب سود توأم با مشارکت در ریسک و یا درگیر شدن با آن و دریافت پاداش حاصل از فعالیت اقتصادی می‌باشد.

۵-۳- مشارکت در سود و زیان

اسلام نظام بانکی مبتنی بر بهره را نمی‌پذیرد. حذف ربا به معنی این نیست که فعالیت‌های مالی بانکی متوقف گردد؛ بلکه به معنای آن است که صاحبان دارایی مالی در قالب قرارداد قرض، بهره ثابتی از منابع مالی خود دریافت ننمایند. مشارکت در اقتصاد واقعی با هدف کسب سود، خواه از طریق مشارکت در سود و زیان و خواه از طریق کسب درآمدهای ثابت در قالب عقود مبادله‌ای، می‌تواند بدیلی برای نظام بهره باشد. در نظام بانکداری اسلامی سپرده‌گذار در سود و زیان وام گیرنده شریک می‌باشد، اگر وام گیرنده سود برد سپرده‌گذار نیز سود می‌برد و اگر وام گیرنده زیان کند سپرده‌گذار نیز زیان خواهد کرد برخلاف نظام بانکداری متعارف که اگر وام گیرنده سود یا زیان کند بطور قطع وام دهنده سود می‌کند. بدین‌گونه، بانک‌ها از حالت مرسوم و متعارف خود که صرفاً واسطه وجوه بودن یعنی وام‌دهی و وام‌گیری ربوی است خارج گردیده و به صورت مؤسسات سرمایه‌گذاری و مشارکت‌کننده در سرمایه و یا تأمین‌کننده سرمایه در می‌آیند. در واقع در نظریه بانکداری اسلامی ارتباط میان بانک و سپرده‌گذار، براساس سهیم‌بودن سپرده‌گذار در منافع ناشی از فعالیت‌های تجاری و مالی شکل می‌گیرد. بانک‌های اسلامی به جای دریافت نرخ ثابت از وام گیرندگان، در سود و زیان معاملات تجاری با سرمایه‌گذاران شریک می‌شوند و سهم سودشان را با سرمایه‌گذارانی که در بانک سپرده‌گذاری کرده‌اند، تقسیم می‌کنند(بابکراحمد، ۲۰۱۱، ص۱۲۱). مشارکت در سود و زیان که می‌تواند بخش قابل توجهی از فعالیت بانک‌ها را به خود اختصاص دهد، بدلیل این‌که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

بانک‌ها را از یک بنگاه اقتصادی مالی تبـدیل بـه یک واسطه مالی می‌نماید، منجر به تعادل با ثبـات در بازارهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با واسطه‌گری بانک می‌گردد[۱].

از سوی دیگر نگرش اسلام به ریسک در بانکداری اسلامی محتاطانه است، بـه طـوری‌کـه اجـازه نمی‌دهد قراردادها با نااطمینانی‌های بیش از اندازه همراه باشند؛ بلکه آن‌ها را به سمت تسهیم ریسک تشویق می‌کند. به این معنا که ریسک حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری باید بین مالکان منابع مالی و استفاده‌کنندگان از این منابع تقسیم شود. در بانکداری اسلامی بدون این‌که سرمایه درگیر ریسـک تجاری شود، هیچ‌گونه سودی برای آن حاصل نمی‌شود؛ البته این موضـوع بیشـتر در مـورد عقـدهای مشارکتی مصداق پیدا می‌کند؛ در نظام مشارکتی سالم، ترس از زیان و امید به سـود در تعامـل قـرار دارند؛ اما در نظامی که ریسک به یک طرف منتقل می‌شود، همواره نگرانی درباره زیان فقـط در یـک طرف قرارداد وجود دارد.(نظرپور و همکاران، پیشین، ص۱۷۶).

با توجه به این که همکاری دوجانبه و مسئولیت مشـترک در اخـلاق اسـلامی یـک اصـل کلـی محسوب می‌گردد. در بانکداری اسلامی نیز بانک‌ها براساس اصل تسهیم سود، سپرده سرمایه‌گـذاری قبول می‌کنند و برهمین اساس به متقاضیان تسهیلات اعطا می‌کنند. برخلاف بانک‌های متعارف که معاملات مالی آن‌ها مبتنی بر بهره است بانک‌های اسلامی بایستی از این معاملات اجتناب کننـد؛ از این رو ابزارهای مالی که در بانکداری اسلامی طراحی و ابداع می‌گردند بایستی بر اصل تسهیم سـود و زیـان مبتنـی باشـند. سـپرده‌گـذاران جهـت سـرمایه‌گـذاری سـودآور دارایـی خـود را در بانـک سپرده‌گذاری می‌کنند، با توجه به این‌که در بانکـداری اسـلامی بخشـی از زیـان احتمـالی ناشـی از سرمایه‌گذاری به سپرده‌گذاران منتقل می‌گردد لذا امکان ورود به سرمایه‌گذاری‌های پرریسـک‌تـر بـا سود بیشتر فراهم می‌گردد در حالی که در بانکداری متعارف کـه موظـف بـه تضـمین سـپرده‌هـا و پرداخت سود قطعی است این امکان وجود ندارد. در نظام بانکداری اسلامی مشارکت در سود و زیان جایگزین بخشی از نظام ربوی می‌باشد. مشارکت و سرمایه‌گذاری در بخـش حقیقـی اقتصـاد عـلاوه بر اشتغال‌زایی و تولید و تأمین کالاهای مورد نیاز در جامعه منجر به تحقق عدالت نیز می‌گردد؛ زیرا در نظریه نظام بانکداری اسلامی در قالب عقود مشارکتی، سپرده‌گـذار در سـود و زیـان وام گیرنـده شریک می‌باشد، اگر وام گیرنده سود برد سپرده‌گذار نیز سود می‌بـرد و اگـر وام‌گیرنـده زیـان کنـد سپرده‌گذار نیز زیان خواهد کرد[۲] و در نتیجه سرمایه‌گـذاری تنهـا گیرنـده تسـهیلات متحمـل ضـرر

---

۱. گرچه در سال‌های اخیر به جهت محدودیت‌هایی که بانک‌های اسلامی در اجرای عقود مشـارکتی بـدان مواجـه شدند، نسبت استفاده از این عقود، را کاهش داده‌اند.

۲. البته مطابق دیدگاه فقیهانی نظیر امام خمینی(ره) تضمین اصل سرمایه در قالب شرط ضمن عقد بلا مانع است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

نمی‌گردد از سوی دیگر اگر سرمایه‌گذاری سودآور باشد با تسهیم سود بین سپرده‌گذار و گیرنده تسهیلات توزیع عادلانه درآمد محقق می‌گردد.

۶-۳- امین بودن وکیل (بانک) در قراردادهای بانکی

رابطه حقوقی بانک و مشتری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف متفاوت است. در بانکداری اسلامی رابطه وکیل، موکل(سرمایه‌گذار) برقرار بوده و در بانکداری ربوی رابطه قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده است. بانکداری متعارف از قرارداد بهره محور در تأمین مالی و وام دهی استفاده می‌کند. بهره در نظر گرفته شده قیمت اعتبار را منعکس می‌کند و بر هزینه فرصت سرمایه دلالت دارد؛ بنابراین بانکداری متعارف بر رابطه بدهکار بستانکار بین سپرده‌گذار و بانک از یک طرف و وام گیرنده و بانک در طرف دیگر، استوار است؛ اما در بانکداری اسلامی روابط به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شوند. در این نظام، بانک به واقع در نقش وکیل سپرده‌گذاران شمرده شده و وجوه آن‌ها را در قالب عقدهای مبادله‌ای و مشارکتی به متقاضیان سرمایه می‌پردازد (نظرپور و همکاران، پیشین، ص۸۰).

در بانکداری اسلامی از نظام وکالت استفاده می‌گردد، یعنی بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران با استفاده از عقود مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه و مساقات منابع سپرده‌گذاران را در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار می‌دهد. در بانکداری ربوی هر فرد سپرده‌گذار بدون توجه به این‌که سپرده او صرف چه کاری می‌شود فقط به فکر درآمد ربوی حاصل از سپرده‌گذاری خویش است. در بانکداری اسلامی تک تک سپرده‌گذارها می‌توانند در فعالیت‌های جامعه خود شریک باشند؛ در واقع سپرده‌گذاران در بانک‌های اسلامی پول خود را به وسیله بانک در تملیک متقاضیان تسهیلات قرار نمی‌دهند؛ بلکه آن‌ها در حقیقت سرمایه‌گذار بالقوه یا بهتر بگوییم عرضه‌کننده سرمایه هستند و بانک اسلامی را برای انجام این عمل وکیل خود قرار می‌دهند که سپرده وی را به‌صورت سرمایه بالفعل درآورد و یا در قالب معاملات مشروع بکار گیرد. از طرف دیگر، عده‌ای متقاضی سرمایه‌گذاری هستند که بخشی از سرمایه لازم را در اختیار دارند و برای بقیه آن به بانک اسلامی مراجعه می‌کنند یا این‌که تمام سرمایه خود را، به طور مثال در عقد مضاربه از بانک اسلامی تأمین می‌کنند. بانک اسلامی به نیابت از طرف سپرده‌گذاران بخشی یا تمام سرمایه موردنیاز متقاضیان را تأمین می‌کند؛ یعنی تمام سپرده سپرده‌گذاران در یک ظرف به‌صورت مشاع جمع شده و پس از آن‌که بانک با متقاضیان قراردادهای لازم را برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های متعدد امضا کرد، بخشی از سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌هایی که به وسیله این سپرده‌های مشاع تأمین مالی می‌شوند، جزء درآمد مشاع سپرده‌گذاران شمرده می‌شود. در حقیقت مانند این‌که سپرده‌گذاران تعدادی از سهام این مؤسسه‌ها را خریده باشند و حال سود سهام خود را دریافت می‌کنند.

بانک اسلامی می‌تواند پس از کسر حق‌الوکاله خود از این درآمدها که آن‌ها نیز مشاع هستند، آن‌ها را نسبت به مبلغ و مدت سپرده بین سپرده‌گذاران تقسیم کند. روشن است که بانک اسلامی نیز می‌تواند از منابع خود در تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری استفاده کند

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

(توتونچیان، ۱۳۷۹، ص۳۳۹). بنابراین در بانکداری اسلامی وکالت بدین‌صورت می‌باشد که بانک در جایگاه وکیل متعهد است در عقدهای مشارکتی و مبادله‌ای از سرمایه سپرده‌گذاران استفاده کند. بنابراین سودی که سپرده‌گذار دریافت می‌کند متغیر[1] و براساس سود حاصل از سرمایه‌گذاری و قراردادهای مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد. بانک‌ها وکیل سپرده‌گذاران هستند و طبق قرارداد حق‌الوکاله از سپرده‌گذار دریافت می‌کنند و سود دریافتی از گیرندگان تسهیلات، متعلق به سپرده‌گذار است.

جدول: مقایسه بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف

	بانکداری اسلامی	بانکداری متعارف
ربا در عملیات بانکداری	ممنوعیت انجام معاملات ربوی (استفاده از سود به جای بهره)	قرض با بهره
تجهیز و تخصیص منابع با رویکردهای اخلاقی	بانکداری اسلامی پول‌های کثیف را که از فعالیت‌های غیرقانونی به دست می‌آیند را نمی‌پذیرد. به تأمین مالی پروژه‌ها و طرح‌هایی اقدام می‌نماید که حلال باشند.	برای پذیرش سپرده تفکیکی بین منابع قانونی و غیرقانونی و برای تجهیز منابع تفاوتی بین فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی قائل نمی‌گردد.
تخصیص منابع به فعالیت‌های بخش حقیقی اقتصاد	ضرورت ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد	عدم ضرورت ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد
توزیع عادلانه منابع	در بانکداری اسلامی تأکید بر استفاده کل جامعه از منابع مالی می‌باشد، در واقع وضعیت جامعه اسلامی بایستی به نحوی می‌باشد که تمامی آحاد جامعه از امکانات و تسهیلات بانکی در حد متوسط برخوردار باشند.	نقش آنها در اعطای تسهیلات به کسب سود خلاصه می‌گردد.
توزیع عادلانه سود	در بانکداری اسلامی با سه گروه بانک‌ها، سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات به عنوان بنگاه‌های اقتصادی متناسب با ارزش سرمایه و ارزش فعالیت اقتصادی، سهمی عادلانه در سود دارند.	قراردادهای بانکی چه در طرف سپرده‌گذاری و چه در طرف اعطای وام و اعتبار نه براساس عملکرد واقعی بنگاه‌ها که بر پایه‌ی بهره‌ی بانکی منعقد می‌گردد.
مشارکت در سود و زیان	در نظام بانکداری اسلامی سپرده‌گذار در سود و زیان وام گیرنده شریک باشد، اگر وام گیرنده سود برد سپرده‌گذار نیز سود می‌برد و اگر وام گیرنده زیان کند سپرده‌گذار نیز زیان خواهد کرد. بعبارت دیگر سودی که برای سپرده‌گذار در نظرگرفته می‌شود سود معین نیست.	بانکداری متعارف که اگر وام گیرنده سود یا زیان کند بطور قطع وام دهنده سود می‌کند.
امین بودن وکیل (بانک) در قراردادهای بانکی	در بانکداری اسلامی بین بانک و مشتری رابطه وکیل-موکل (سرمایه‌گذار) برقرار است.	رابطه حقوقی بین بانک و مشتری در بانکداری متعارف رابطه قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده است.

۱. از آنجا که از طرفی بانک وکیل است تا وجوه سرمایه‌گذاران را در عقود مبادله‌ای و مشارکتی سرمایه‌گذاری کند و از طرف دیگر سود حاصل از عقود مشارکتی انتظاری و متغیر است پس مجموع سود حاصل از عقود مبادله‌ای و مشارکتی نیز انتظاری خواهد بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

بنابراین ساختار اخلاقی و ساختار مالی بدون بهره بانکداری اسلامی موجب می‌گردد فعالیت‌های آن در راستای توسعه سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مولد در بخش حقیقی اقتصاد باشد و از این طریق موجبات توزیع عادلانه درآمد، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، افزایش رفاه اقتصادی خانوار از طریق اشتغال‌زایی و رفع موانع مالی آنان از طریق پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه را فراهم آورد. از سوی دیگر بانکداری اسلامی با تطبیق محصولات و خدمات مالی خود با اصول اخلاقی شریعت، سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های اخلاق مداری را صورت می‌دهد به نحوی که هم بانک، هم سرمایه‌گذاران و هم اقتصاد و جامعه از آن منتفع می‌گردند. بدین‌ترتیب نظام بانکداری اسلامی افزون بر این‌که برای سپرده‌گذاران سود تأمین می‌کند، از نظرکمیت و کیفیت سوددهی و چگونگی تخصیص منابع نیز اصل عدالت اقتصادی درآن جریان دارد. اصلی که بدون تحقق آن اخلاق معنی و مفهومی ندارد.

نتیجه‌گیری

۱. اخلاق به عنوان تنظیم‌کننده روابط میان انسان‌ها، همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. اخلاق اقتصادی در اسلام در راستای تقویت کارایی نظام اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. ملاحظات اخلاقی به عنوان بستری مناسب برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام عمل خواهد نمود.

۲. یک نظام مالی باید توجه ویژه‌ای به موضوع ملاحظات اخلاقی داشته باشد، به خصوص اصل عدالت و انصاف را در برابر تمام افرادی که در نظام مشارکت می‌کنند، رعایت کند.

۳. اهتمام اصلی بانک‌های اسلامی این است که نظام ارزشی و اخلاقی اسلامی را با ساختار اقتصادی ترکیب می‌کند تا ملاحظات و ارزش‌های اخلاقی باید برتمامی فعالیت‌های مالی بانکداری اسلامی حاکم باشد.

۴. ممنوعیت فعالیت‌های مبنی بر ربا، عدالت، تشویق به کار و فعالیت اقتصادی، تقسیم عادلانه سود و زیان و منابع، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و درگیر بودن با بخش حقیقی اقتصاد و امین سپرده‌گذاران بودن در فعالیت‌های اقتصادی از جمله رویکردهای اخلاقی نظریه بانکداری اسلامی محسوب می‌گردند.

۵. ساختار اخلاقی و ساختار مالی بدون بهره بانکداری اسلامی موجب گردیده فعالیت‌های آن در راستای توسعه سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مولد در بخش حقیقی اقتصاد باشد و از این طریق موجبات توزیع عادلانه درآمد، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، افزایش رفاه اقتصادی خانوار از طریق اشتغال‌زایی و رفع موانع مالی آنان از طریق پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه را فراهم آورد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

۶. از آن‌جا که در عرصه اجتماعی هدف انبیای عظام اقامه عدالت است بانک اسلامی نیز به عنوان جزیی از نظام اقتصادی اسلام لازم است این هدف را تعقیب نماید. سیستم بانکی به عنوان یک وکیل، پول سپرده‌گذارانی که قادر نیستند پس‌اندازهای کوچک خود را به کار اندازند، جمع‌آوری و آن را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار داده و سپرده‌گذاران را از سود حاصل از سرمایه‌گذاری برخوردار می‌کند و از طرفی هم به متقاضیان تسهیلات بانکی، در قالب عقود سودآور، تسهیلات اعطا می‌کند.

۷. در بانکداری اسلامی برخلاف بانک‌های متعارف که نقش آن‌ها در جذب منابع مالی و اعطای تسهیلات به کسب سود خلاصه می‌گردد؛ تأکید بر استفاده کل جامعه از منابع مالی می‌باشد، در واقع وضعیت جامعه اسلامی بایستی به نحوی می‌باشد که تمامی آحاد جامعه از امکانات و تسهیلات بانکی در حد متوسط برخوردار باشند.

۸. نظام بانکداری اسلامی افزون بر این‌که برای سپرده‌گذاران سود تأمین می‌کند، از نظرکمیت و کیفیت سوددهی و چگونگی تخصیص منابع نیز اصل عدالت اقتصادی درآن جریان دارد. اصلی که بدون تحقق آن اخلاق معنی و مفهومی ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

منابع

الف) فارسی

۱. بابکراحمد، عثمان، بانکداری اسلامی، مترجم: علی تک روستا، مجموعه مقالات بانکداری اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مرکز جمهوری اسلامی ایران.

۲. توتونچیان، ایرج، «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری»؛ تهران: توانگران، ۱۳۷۹.

۳. دادگر، یداله، اخلاق بازرگانی(کسب و کار) از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره۳۸، دوره۸۵، بهار۱۳۸۵.

۴. زمانی فریز هندی، منوچهر،"اخلاق کارگزاران اسلامی و تطبیق آن با اخلاق کارگزاران سیستم بانکی"، فصلنامه بانک صادرات ایران، شماره ۲۰، ۱۳۸۱.

۵. صفوی، فهیمه سادات، بررسی و طراحی شاخص‌های عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی، پایان نامه کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مفید، زمستان۱۳۹۱.

۶. طالبی، محمد و حسن کیایی،" بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی"، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی، شهریور۱۳۹۰.

۷. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۶ش.

۸. عیوضلو، حسین، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره۲۹، ۱۳۷۸.

۹. عیوضلو، حسین، قلیچ، وهاب، بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی- ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری- انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا، زمستان۱۳۹۳.

۱۰.علوی، طالب، اصول اخلاقی حاکم بر مهندسی نظام مالی اسلامی، دو فصلنامه تخصصی پژوهشکده علوم وحیانی معراج، سال دوم، شماره ۵، پاییز و زمستان۱۳۹۲.

۱۱.قلیچ، وهاب، بانکداری اخلاقی در جهان، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی، شهریور۱۳۹۰.

۱۲.کتابچی، محسن، مدیریت موفق، چاپ اول، تهران، نشر الف، ۱۳۸۳.

۱۳.محقق‌نیا، محمدجواد و همکاران، درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،چاپ اول، زمستان۱۳۹۴.

۱۴.موسویان، سید عباس، «عدالت محور آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴، زمستان ۱۳۸۰.

۱۵.المجلسی، محمدباقر ، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار ، ج سوم، ج۶۷ ، باب ۵۹ ، ص۳۷۲ ، ذیل حدیث ۱۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

۱۶. مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، قم، طلیعهٔ النور، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۷. مهدوی‌کنی، محمد رضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول،۱۳۸۵.
۱۸. نظرپور، محمدنقی، علیا، میترا، تحلیل چگونگی ارتباط بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره۶ و۷ ، بهار و تابستان۹۳.
۱۹. نظرپور، محمدنقی، رضایی، فاطمه و خزایی، ایوب، تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال۱۱، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۰.
۲۰. نظرپور، محمدنقی، موسویان، سیدعباس و خزایی، ایوب، بانکداری اسلامی(۱)، در دست چاپ، انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
۲۱. ویلسون، رودنی، شباهت بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی، مترجم: محمدزمان رستمی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره۶، تابستان۱۳۸۱.
۲۲. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و خبره، شیما، مواضع اخلاقی در بانکداری اسلامی و تأثیر آن بر عملکرد بانکی، دو فصلنامه پژوهش‌های مالیه اسلامی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

ب) لاتین

23. Carboni, V. (2011), "Banking on Ethics", Campagna per la Riforma della Banca Mondiale, PP. 1-36.
24. Haniffa, R& Hudaib, M. (2007): Exploring the Ethical Identity of Islamic Banks via Communication in Annual Reports. Journal of Business Ethics, 97-116.
25. Tlemsani, I. & R. Matthews (2002), "Ethical Banking: The Islamic View", PP. 1-18.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]